مرا با زوفا پاک کن تا طاهر شوم. مرا شست و شو کن تا از برف سفیدتر گردم.

مزمور ۵۱: ۷

شریر در ذات و سرشت ما

واقعاً چرا ما با این تفکر خودمان را فریب می‌دهیم که با پرستشمان خداوند را خوشنود می‌سازیم؟ اگر من در تمام روز شبیه به یک شخص دنیوی، آسمان‌جل و نفسانی هستم و نیمه شب هم خودم را در مقابل بحران‌های مختلف مشاهده می‌کنم، چطور می‌توانم در مقابل خدایی بایستم و دعا کنم که مقدس است؟ چطور می‌توانم شخصی را خطاب قرار دهم که از من خواسته او را در روح و راستی پرستش کنم؟ آیا من زانو می‌زنم و نام عیسی را در دعاهایم به زبان می‌آورم چون اعتقاد دارم که چیزی جادویی و سحرآمیز در آن نام وجود دارد؟

اگر من کماکان همان شخص دنیوی، آسمان‌جل و نفسانی هستم، قطعاً ناامید، درمانده و سرخورده خواهم شد. اگر من در حقیقتِ معنای نام، ذات و طبیعت او زندگی نمی‌کنم، قطعاً نمی‌توانم با به زبان آوردن نام او، به شایستگی دعا کنم. اگر من در سرشت، ماهیت و ذات او زندگی نمی‌کنم، نمی‌توانم به درستی، با توکل به آن ذات الهی دعا کنم.

ما چطور می‌توانیم امیدوار باشیم که پرستش مقبول خداوند را به انجام برسانیم در حالی که هنوز این شاخص‌های شیطانی در ذات ما به صورت تأدیب نشده، تصحیح نشده، پالایش نشده و تطهیر نشده وجود دارند؟ شخصی که المنت‌های شیطانی را در ذات خود دارد و نسبت به آنها بی‌اهمیت است و اراده‌ای برای تغییر وضعیت حال حاضرش ندارد، ممکن است بتواند با مدیریت بخشی از وجودش، پرستشی نصفه و نیمه انجام دهد که شاید بخشی از آن به سختی مورد قبول خداوند قرار گیرد. ولی بیایید کمی در خلوت با خودمان صادق باشیم؛ آیا این سبک از زندگی، روشی است که بخواهیم در آن بمانیم و به آن ادامه دهیم؟

## ای پدر آسمانی، با تمام وجودم دوست دارم تو را به گونه‌ای بپرستم که مورد قبول تو باشد. مرا تطهیر کن تا ذات شریر در درونم از بین برود و با سرشتی که شایسته نام زیبای یگانه فرزندت است، در مقابل تو حاضر شوم. آمین!

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*